کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۵۶، ۹ اسفند ماه ۱۴۰۰

مبارزه متشکل رمز کامیابی بازنشستگان است!

بازنشستگان زحمتکش کشورمان به مبارزه به‌خاطر کسب حقوق‌شان ادامه می‌دهند. در شرایطی که خط فقر در کشورمان ۱۴ میلیون تومان در ماه است، دستمزد کارگران با تمام مزایا و هم مستمری اکثر بازنشستگان حدود ۴ میلیون تومان در ماه است. بازنشستگان با تأکید بر وجود تورمی ۴۵ درصدی و "افزایش بیش از ۶۵ درصدی قیمت مواد خوراکی"، در فراخوان‌شان اعلام کردند: "بالغ بر ۷۰۰ هزار نفر از ما حتی حداقل‌بگیر هم نیستیم." بازنشستگان با تأیید شعار "تنها کف خیابون، به‌دست میاد حقوقمون!" و محکوم کردن "چپاول صندوق‌ها توسط دولت" و تأکید بر آن، "همسان‌سازی واقعی و کامل" حقوق و عیدی‌ای به‌میزان "حداقل دو ماه حقوق" را مهم‌ترین خواسته‌های‌شان در فراخوان عنوان کردند. بازنشستگان

ادامه در صفحه ۳

تحقق خواست‌های فوری و افزایش دستمزد درگروِ احیای حقوق سندیکایی و مبارزهٔ سازمان‌یافته است!

طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما درحالی به هفته‌های پایانی سال کنونی گام می‌گذارند که مبارزه لایه‌های تهی‌دست جامعه ابعادی گسترده‌تر یافته و فضای سیاسی کشور از رشته رویدادهایی پراهمیت انباشته شده است. اعتصاب و اعتراض یکپارچه فرهنگیان سراسر کشور تا حد معینی مسیر حرکت، موقعیت، و بنیهٔ جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان را تقویت کرده است. گرچه باید یادآوری کنیم که درمجموع جنبش اعتراضی زحمتکشان هنوز به پراکندگی مبتلا است. در این فضای ملتهب اجتماعی و رشد نارضایتی همگانی از برنامه‌ها و عملکرد دولت رئیسی، مسئلهٔ چگونگی تعیین حداقل دستمزد کارگران در مقام یکی از مهم‌ترین خواسته‌های فوری ابعاد و جنبه‌هایی برجسته‌تر در قیاس با سال‌های گذشته پیدا کرده است.

نمایندگان تشکل‌های زرد حکومتی و همراه با آنان مقام‌های دولتی و نمایندگان کارفرمایان هریک در ارتباط با مسئله تعیین حداقل دستمزد موضع‌گیری‌های‌شان را با اتکا به اهرم‌های مختلف مالی، تبلیغاتی، و سیاسی بازگو کرده‌اند. این موضع‌گیری‌ها با بزرگ‌نمایی در سطحی گسترده نشر و تبلیغ می‌شود، درحالی که طبقه

ادامه در صفحه ۲

به تبعیض مزدی پایان دهید!

مزد مساوی برای کار مساوی خواست طبقهٔ کارگر است!

بیش از سه دهه اجرای سیاست‌های مخرب و ضد مردمی تعدیل ساختاری با پشتبانی ولی فقیه و در راستای سیاست های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی اثرهایی ویرانگر بر معیشت و امنیت شغلی کارگران و زحمتکشان میهن‌مان گذارده است. ازجمله پیامدهای این سیاست‌ها رواج قراردادهای موقت، تبعیض در پرداخت دستمزدها، کاهش مرتب قدرت خرید خانوارهای کارگری و بیکاری گسترده بوده است. بی‌سبب نیست که صدای اعتراض کارگران و زحمتکشان میهن‌مان به خصوصی‌سازی، به قراردادهای موقت و غیررسمی، به نقش دلالی و طفیلی‌گری پیمانکاران کار، به دستمزدهایی ناچیز که معیشت روزمرهٔ کارگر و خانواده‌اش را کفاف نمی‌دهد، به تبعیض قائل شدن میان کارگران رسمی و غیررسمی که با انجام دادن کاری یکسان اما دستمزدهایی کاملاً متفاوت دریافت می‌کنند، هر روز رساتر از روز گذشته می‌شود.

در این میان و درپی اجرای برنامه خصوصی‌سازی و رواج تبعیض مزدی، خواست افزایش دستمزد، اجرای همسان‌سازی، و توقف خصوصی‌سازی مطالبهٔ همگانی کارگران و زحمتکشان میهن‌مان شده است. ادامه /مبارزه برای دستیابی به این مطالبهٔ همگانی با / تحصن و تجمع اعتراضی فرهنگیان و بازنشستگان در شهرهای مختلف ایران، اعتراض و اعتصاب کارگران در صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، هواپیمایی ملی، صنایع برق و مخابرات، راه‌آهن، معادن، شهرداری‌ها، پرستاران، کارگران مناطق آزاد اقتصادی ازجمله عسلویه و جز آن، گواه همگانی بودن این مطالبهٔ کارگران و زحمتکشان میهن‌مان است.

مبارزهٔ کارگران و زحمتکشان میهن‌مان با سمت‌گیری اقتصادی- اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی با وعده‌ووعیدهای دروغین مقام‌های ریزودرشت رژیم، بگیروببندها، سرکوب‌ها، استفاده ابزاری از تشکل‌های زرد حکومتی مقابله شده است. در هنگامه این مبارزات، رژیم ولایت فقیه تا کنون به‌دلیل توازن قوا به‌سود جبهه سرمایه که متکی به استبداد ولایی است، نشان داده حاضر به توقف برنامه تعدیل ساختاری نیست.

تجربه گران‌بهای مبارزات کارگران ایران و جهان اثبات کرده است که خواست‌های عدالت‌خواهانه و آزادی‌خواهانه را نمی‌توان برای همیشه منکوب یا از اذهان پاک کرد. کارگران و زحمتکشان میهن‌مان در این مبارزه سخت و دشوار برای انسجام و اتحاد به اهمیت احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل پی برده‌اند و با رسوا کردن سیاست‌های فریبکارانه تشکل‌های زرد حکومتی، از این مبارزه بر حق دست برنخواهند داشت. اعتراض و اعتصاب‌ها در سراسر کشور برای مزد مساوی در برابر کار مساوی، همسان‌سازی واقعی و لغو قراردادهای موقت همچنان ادامه دارد. این خواسته‌ها را می‌توان با سازمان‌دهی جنبش اعتراضی زحمتکشان و اتحاد عمل فراگیر به‌استبداد حاکم تحمیل کرد.

پیش به سوی سازمان دهی مبارزهٔ سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی عدالتی و سرکوب حقوق صنفی!

ادامهٔ تحقق خواست‌های فوری و

کارگر و زحمتکشان از این گونه امکانات به‌کلی بی‌بهره‌اند. چنین جوسازی‌هایی هرساله در هفته‌های پایانی سال انجام می‌شود تا به‌زعم کارگزاران استبداد حاکم، با سه‌جانبه‌گرایی‌ای دروغین در نشست‌های شورای‌عالی کار حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار تعیین و اعلام شود. این سیاست هدفمند و روش فریبکارانه درحالی به‌اجرا گذاشته می‌شود که رژیم با برنامه‌ای چندلایه با توجه به بحران ژرف و همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی کوشیده و همچنان می‌کوشد جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان و اعتصاب‌های رو به‌گسترش‌شان از محدوده‌ای معین فراتر نرود، و ضمن کنترل این اعتراضات، از پیوند اعتصاب‌های گوناگون به‌یکدیگر و ارتقای سطح سازمان‌دهی و همبستگی در جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی جلوگیری شود. به‌عبارت دقیق‌تر، حکومت جمهوری اسلامی از یک‌سو با بزرگ‌نمایی جلسه‌های نمایشی کمیته مزد و چانه‌زنی بر سر تعیین نرخ سبد معیشت و به‌دنبال آن نشست‌های شورای‌عالی کار اندیشه‌های همگانی را فریب داده و مبارزهٔ توده‌های کارگر را به ارگان‌هایی نظیر شورای‌عالی کار معطوف و محدود می‌سازد و از دیگر سو همراه با تهدید، تطمیع، و کنترل اعتصاب‌ها در مجاری موردپذیرش نهادهای امنیتی نیروی اعتراضی کارگران را فرسوده و از ارتقای سطح مبارزاتی جنبش اعتراضی و میزان اثرگذاری حرکت‌های سندیکایی مانع می‌گردد.

باید توجه داشت مهار اعتصاب‌های کارگری به‌ویژه در دوران حساس کنونی یکی از حلقه‌های اصلی سیاست‌های رژیم و نهادهای امنیتی‌اش در زمینه کنترل فضای جامعه است. ازاین‌روی، برای آنکه فضای سیاسی از اختیار دستگاه های حکومتی خارج نگردد و حرکت به سمت سازمان یافتگی طبقهٔ کارگر و زحمتکشان برای کسب حقوق صنفی شان عملی و میسر نشود، رواج و تبلیغ انواع نظرات، دیدگاه‌ها، خط‌مشی‌ها، و راهکارهای پیشنهادیِ به‌ظاهر کارگری و سندیکایی را شاهدیم که مستقیم و غیرمستقیم در برابر اصول بدیهی فعالیت و آزادی‌های سندیکایی و مطالبه‌های به‌حق طبقه کارگر مانع‌تراشی می‌کنند. برای آنکه بتوان عیار واقعی این مدعیات را بازشناخت، کافی است به آنچه رژیم ولایت فقیه در عرصهٔ جنبش کارگری با آن به‌شدت مخالفت می‌کند توجه داشت. ارزیابی فشرده‌ای از سیر رویدادهای سیاسی و مسیر حرکت جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان، ویژگی‌ها و مختصات آن ثابت می‌کند حضور خیابانی و مطالبه‌گرانه تا زمانی که به‌صورت پراکنده بوده و انسجام و تشکیلات لازم را ندارد کنترل آن برای نهادهای امنیتی امکان‌پذیر است. این بدان معنا نیست که اعتراضات در کف خیابان اهمیت نداشته یا نهادهای امنیتی به‌آن بی‌اعتنا هستند، بلکه به‌این معنا است که حضور خیابانی غیرمتشکل و سازمان‌نیافتهٔ بدون رهبری، هدایت، و شعارهای صحیح خطر اصلی و درجه اول برای نظام و ارگان‌های امنیتی در اوضاع کنونی به‌شمار نمی‌آیند. بنابراین، هر اقدام و برنامه‌ای که همراه با شعار سازمان‌دهی، همبستگی و تشکیلات در اینجا به‌معنای حق برخورداری از تشکل سندیکایی برای زحمتکشان باشد از سوی حکومت با شدت هرچه‌تمام‌تر پیگرد و سرکوب می‌شود. به‌علاوه، این را نیز از یاد نبریم که رژیم با برنامه چندلایه‌اش در برابر اعتراضات پراکنده از سیاست فرسایشی‌کردن و ناامید ساختن توده‌های کارگر بهره برده و می‌کوشد با وعده‌ووعیدهایی بی‌پشتوانه و نیز خرید زمان اعتراض و اعتصاب‌ها را زمین‌گیر سازد. در همین حال مجموعه مانورهایی درخصوص برخی مسئله‌های مبرم و مورد درخواست زحمتکشان از سوی ارگان‌های حکومتی صورت می‌گیرد. به‌طور مثال، رأی اخیر دیوان عدالت اداری در ارتباط با ابطال مقررات اشتغال مناطق آزاد تجاری و صنعتی یکی از این موارد است. چنین اقدام‌های نمایشی را مادام که سیاست تعدیل ساختاری به‌اجرا گذاشته می‌شود نباید جدی و مؤثر ارزیابی کرد. این‌گونه مانورها به‌ویژه در اوضاع حساس کنونی در چهارچوب مهار و کنترل جنبش اعتراضی زحمتکشان از سوی قوه قضاییه، تشکل‌های زرد حکومتی، و نهادهای امنیتی انجام می‌گیرد.

بنا به‌تجربه سالیان اخیر، حکومت جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی سرکوبگر از طرح شعارهایی صحیح که بر نیازمندی‌های توده‌های کارگر مبتنی‌اند و بردن‌شان به‌درون کارگاه‌ها و کارخانه‌ها ممانعت جدی می‌کنند. دراین‌باره می‌توان به طرح شعارهایی که رژیم به‌شدت با آن‌ها مخالفت و مقابله می‌کند اشاره کرد که از آن جمله‌اند شعارهایی مانند خواست احیای حقوق سندیکایی و حق تشکل‌یابی مستقل کارگران برپایهٔ منشور جهانی حقوق سندیکایی مصوبه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری و مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار. طرح پی‌درپی شعار انحرافی تشکیل "مجمع عمومی و انتخاب نماینده و یا نمایندگان کارگری" در مقابل خواست به‌حق، اصولی، و دست‌یافتنی احیای حقوق سندیکایی در مقطع زمانی کنونی چه معنای سندیکایی و چه بار سیاسی‌ای دارد؟ علاوه بر این، چرا به‌این نوع دیدگاه فرصت و امکان تبلیغ داده می‌شود؟ چنین دیدگاه‌هایی خواسته یا ناخواسته، مستقیم یا غیرمستقیم، به‌رشد و سازمان یافتگی مبارزات کارگری کمکی نخواهند رساند.

افزایش دستمزد و تحقق مطالبه‌های فوری فقط در میدان واقعی مبارزه آنجا که توده‌های کارگر حضور دارند با طرح احیای حقوق سندیکایی آن‌هم از دل مبارزات جاری، مبارزات بزرگ و کوچک جاری در کارگاه‌ها و کارخانه‌های سراسر کشور با مشارکت مستقیم و فعال کارگران و سندیکالیست‌های راستین به‌دست آمده و امکان‌پذیر خواهد بود. چشم امید بستن به دگردیسی این یا آن نمایندهٔ تشکل‌های زرد حکومتی نیز نمی‌تواند کارساز و کارگشا بوده و راه تحقق خواست‌های فوری به‌ویژه افزایش دستمزد را هموار سازد. به‌یاد داشته باشیم این سیاست هشیارانه و اصولی حرکت‌های سندیکایی است که می‌تواند در تشکل‌های زرد حکومتی شکاف ایجاد کرده و امکان دگردیسی این یا آن شخصیت را فراهم آورد. تشدید مبارزه و طرح خواست‌های واقع‌بینانه این امکانات را به‌طور عینی و ذهنی پدید می‌آورد. ما بار دیگر لزوم توجه به خواسته‌های مشترک را مورد تأکید قرار می‌دهیم، خواسته‌های مشترکی که به‌طور عمده عبارتند از: احیای حقوق سندیکایی، افزایش عادلانه دستمزد، توقف خصوصی‌سازی، لغو قراردادهای موقت و حذف پیمانکاران نیروی کار، اجرای همسان‌سازی و مزد مساوی در برابر کار مساوی، طبقه‌بندی مشاغل و رتبه‌بندی معلمان، جلوگیری از افزایش سن بازنشستگی و حفظ دارایی‌های کارگران و زحمتکشان در سازمان تأمین اجتماعی. از این راه می‌توان و باید زمینه‌های وحدت سندیکایی و اتحاد عمل فراگیر برای مقابله با برنامه‌های ضد کارگری رژیم را فراهم ساخت.

کوتاه سخن، باید با مبارزات جاری همراه با توده‌های کارگر و تأکید بر خواست احیای حقوق سندیکایی مبارزه را به‌پیش برد.

نامه مردم
ضمیمه کارگری
ارگان مرکزی حزب توده ایران

چرا امنیت شغلی پرستاران تضمین نمی‌شود؟

مدافعان سلامت در مبارزه‌ای متحد و سازمان‌دهی شده از سوی نیروهای غیررسمی و رسمی، روز دوم اسفندماه از استان‌های مختلف به تهران آمدند و برای تبدیل وضعیت نیروهای غیررسمی دانشگاه‌های علوم پزشکی، مقابل وزارت بهداشت تجمع اعتراضی برگزار کردند. تبدیل وضعیت شغلی از پیمانکاری به رسمی و اجرای قانون "طرح تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری" مصوب سال ۸۶، دو خواسته مهم پرستاران کشورمان در مبارزه بر ضد خصوصی‌سازیِ درمان و نقض شدید امنیت شغلی و معیشت آنان از سوی کارگزاران رژیم در سال‌های اخیر بوده است. مطابق معمول و عملکرد ۱۵ سال قبل رژیم، روز ۱۲ بهمن‌ماه، معاون پرستاری وزارت بهداشت به ایلنا گفت: "کارنامه پرستاران با تعرفه جدید که قرار بود از اول دی امسال اعمال شود، در اواخر بهار سال ۱۴۰۱ پرداخت خواهد شد." خبرگزاری ایلنا، ۵ بهمن‌ماه، با تأکید بر اینکه "بیش از ۸۰ درصد خدمات درمانی در بیمارستان‌ها متوجه پرستاران است"، نوشت: "در طرح تحول سلامت، بین ۳۰۰۰ تا ۷۰۰۰ نوع تعرفه برای پزشکان تعریف و به آن‌ها تعلق گرفت؛ اما در این طرح تقریباً هیچ نوع تعرفه‌ای به پرستاران تعلق نگرفت." برخی از خدمات پرستاری مانند انجام دیالیز بسیار سخت است، و علاوه بر صرف "۴ ساعت" برای انجام آن، پرستار "تمامی مسئولیت عواقب آن را بر عهده دارد." خدمات پرستاران همچنان به‌نام پزشکان ثبت می‌شوند. مقاله فوق بعد از ۱۵ سال، صرفاً از نوشته شدن "استانداردهای بالغ بر ۵۰۰ خدمت پرستاری" خبر داد، اما افزود: "این نگرانی وجود دارد که قانون به‌صورت ناقص اجرا شود." دبیرکل خانه پرستار روز ۲۰ آذرماه ۱۴۰۰ از "اختلاف ۱۰۰ برابری بین درآمد پزشکان و پرستاران" در نظام فعلی بهداشت و درمان کشور خبر داد. برای بهره‌کشی حداکثری از پرستاران موجود، به‌خصوص با فروکش کردن موج‌های مختلف کرونا و اخراج پرستارانی با قراردادهایی مانند "۸۹ روزه"، کارگزاران رژیم پرستاران را به اضافه‌کاری مجبور می‌کنند. به‌رغم وجود "حدود ۱۰۰ هزار پرستار بیکار در کشور" در حال حاضر کمبود ۱۰۰ هزارنفری پرستاران در کشور وجود دارد. در سال ۱۳۹۹ "حداقل ۱۲۵۰ نفر" از پرستاران از سازمان نظام پرستاری درخواست برای مهاجرت (گوداستندینگ) کرده بودند. پرستاران تأمین اجتماعی برای استفاده از حق قانونی‌شان در مشاغل سخت و زیان‌آور برای بازنشستگی با ۲۰ سال بیمه‌پردازی، بارها مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع اعتراضی برگزار کرده‌اند. بار دیگر روز دوم اسفندماه، در اعتراض به‌شرط "حداقل ۳۰ سال سابقه خدمت" برای بازنشستگی تأمین اجتماعی، پرستاران مقابل ساختمان تأمین اجتماعی تجمع کردند. به‌علت استخدام نکردن پرستاران بیکار با وجود کمبود شدید نیروی پرستار، پرستاران گفتند: "سازمان عملاً با بازنشستگی بر مبنای ۲۵ سال خدمت هم مخالفت می‌کند."

پرستاران مبارز کشورمان در ادامه اعتراض شان به خصوصی‌سازی درمان و نقض شدید امنیت شغلی و معیشت‌شان، روز ۱۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۰ در نامه‌ای به مسعود میرکاظمی، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه کشور، آغاز شدن موج جدید همه‌گیری کرونا دو سال پس از شروع آن را یادآوری کردند. پرستاران در این نامه تأکید کرده بودند: "بیش از ۷۰۰ روز است که کادر سلامت با جان و خون و شرافتشان در خط مقدم جبهه‌ای ایستاده‌اند" و در حین جان باختن بسیاری از همکاران خود، تنها دستگاهی بودند که "حتی برای دقیقه‌ای تعطیل یا دورکار" نبودند. پرستاران در نامه‌شان بر دو خواسته تأکید کردند: نخست بر "اجرای فوق‌العاده خاص با ضریب ۳" بر اساس وعده رئیسی در روز نوزدهم آذرماه تا به‌قول او "شاید دیگر غم نان نداشته" باشند و دوم بر "تبدیل وضعیت" شغلی خود بر اساس وعده‌های خامنه‌ای در "خصوص امنیت شغلی کادر سلامت". پرستاران همچنین در حمایت قاطعانه از همکاران‌شان، تأکید کردند: "ما آرام نمی‌گیریم تا زمانی که همکار شرکتی، قراردادی، ۸۹ روزه، و طرحی بی‌پناه دوران کرونا، امنیت شغلی نداشته باشند، تا زمانی که معیشت کادر سلامت با جانی که می‌کند همخوانی نداشته باشد." با همبستگی و مبارزه‌ای متحد و پیگیر با اعتصاب و اعتراض‌های سازمان‌یافته و پافشاری برحق برخورداری از تشکل مستقل سندیکایی و پیوند این اعتراض‌ها با اعتصاب‌های فرهنگیان، کارگران، بازنشستگان، و همه زحمتکشان، پرستاران کشورمان می‌توانند با بهره‌کشی ضد انسانی رژیم فاسد ولایی در بخش درمان مقابله کنند.

ادامهٔ مبارزهٔ متشکل رمز کامیابی ...

از تیرماه ۱۳۹۹ هم‌زمان با سقوط شدید ارزش پول ملی و افزایش لگام‌گسیخته تورم در سه سال اخیر، مبارزه‌ای تحسین‌برانگیز به‌منظور افزایش مستمری و دستیابی به حق مسلم‌شان برای درمان رایگان به‌پیش برده‌اند. مهم‌ترین خواسته‌های بازنشستگان در تجمع سراسری ۲۴ بهمن‌ماه عبارت بودند از: اجرای کامل همسان‌سازی، عیدی‌ای به‌میزان دو برابر حقوق، تعیین حقوق بر مبنای تورم و هزینه‌های واقعی خانوار، درمان رایگان، توقف طرح دوفوریتی حذف ماده ۵۰ سازمان تأمین اجتماعی، پرداخت بدهی هنگفت رژیم به سازمان تأمین اجتماعی، و آزادی زندانیان سیاسی.

علاوه بر تحمیل هزینه‌های هنگفت طرح‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی و غارت اموال کارگران در این سازمان از سوی مدیران تحمیل شده به سازمان در سه دهه اخیر، بدهی واقعی دولت به سازمان تأمین اجتماعی مبلغ "یک تریلیون و ۷۰۰ هزار میلیارد تومان است" [بنا بر گزارش ۲۴ آذرماه ۱۴۰۰ ایلنا]. به‌رغم تصویب اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان در ماده ۳۰ قانون برنامه ششم توسعه و تأکید بر پرداخت بدهی کلان دولت به سازمان تأمین اجتماعی تا پایان برنامه، هدف رژیم ولایی پرداخت نکردن بدهی‌اش به سازمان تأمین اجتماعی است. اگر دستمزد کارگران و مستمری بازنشستگان بر اساس نرخ واقعی سبد معیشت تعیین می‌شد، نیازی به اجرای به‌اصطلاح همسان‌سازی نمی‌بود. اما بعد از ماه‌ها اعتراض‌های گسترده بازنشستگان، دولت روحانی به اجرای ناقص همسان‌سازی- متناسب‌سازی مستمری بازنشستگان در تابستان ۱۳۹۹ مجبور شد. بازنشستگان در ادامه اعتراض‌های‌شان، تصویب دائمی شدن همسان‌سازی در مجلس را خواستار شدند و دولت روحانی لایحه‌ای به مجلس ارائه کرد. اما بعد از ماه‌ها معطل ماندن این لایحه در مجلس، دولت جدید با امضای شخص رئیسی و با اعلام اینکه قصد دارد لایحه‌ای جدید به مجلس ارائه دهد، روز هفتم بهمن‌ماه دولت سیزدهم لایحه دولت روحانی را از مجلس پس گرفت. رئیس کمیسیون تلفیق روز ۲۷ بهمن‌ماه مشابه ترفندی که مجلس و دولت در رابطه با اجرای رتبه‌بندی معلمان به‌کار گرفته‌اند، در مورد بازپس گرفتن لایحه همسان‌سازی حقوق بازنشستگان توسط دولت و به‌اصطلاح نیت مجلس برای اجرای همسان‌سازی، گفت: "دولت اراده‌ای برای تحقق این امر مهم ندارد" و روز ۳۰ بهمن‌ماه نماینده ساری نیز گفت: "عدم اطلاع‌رسانی درخصوص علت این امر جای سؤال است." بازنشستگان صندوق فولاد در اعتراض به نحوه اجرای همسان‌سازی حقوق خود و تبعیض میان بازنشستگان مقابل صندوق فولاد روز اول اسفندماه تجمع کردند.

متعاقب مبارزات ماه‌های اخیر بازنشستگان برای دائمی کردن همسان‌سازی و تصویب ۹۰ هزار میلیارد تومان به‌صورت واگذاری سهام به‌عنوان بخشی از مطالبات تأمین اجتماعی در کمیسیون تلفیق بودجه، معاون دبیرکل خانه کارگر روز ۳ بهمن‌ماه با اشاره به اینکه "برخی اقشار و گروه‌های معترض، با نام اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری اقدام به نشر فراخوان تجمع در سطح کشور نموده‌اند" و با تأکید کردن بر انجام "مذاکره و رایزنی با اعضای محترم و فهیم کمیسیون تلفیق"، گفت: "با توجه به حصول نتایج دلخواه، اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، تا اطلاع ثانوی قصد برگزاری هیچ‌گونه تجمع و گردهمایی در سطح کشور نخواهد داشت." دبیرکل خانه کارگر بعداً و در برابر نارضایتی بازنشستگان و فشار آنان با دروغ‌پردازی کوشید تشکل‌های زرد حکومتی به‌ویژه خانه کارگر را از حامیان حقوق بازنشستگان بداند. همان‌طور که بازنشستگان تأکید می‌کنند: "درد مشترک فریاد مشترک می‌طلبد"، مبارزهٔ مشترک ده‌ها تشکل مستقل، اتحاد عمل فراگیر، تنها راه دستیابی به مستمری بالای خط فقر و درمان رایگان خواهد بود.

کنگرهٔ اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی:

سازمان‌های سندیکایی در راه تغییر توازن قوا به‌سود نیروهای مردمی مبارزه می‌کنند!

کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی (کوساتو) به‌مناسبت سالگرد صدور بیانیه کمیته ملی کنگره ملی آفریقای جنوبی (اِ- اِن- سی) که از سوی رهبر این کنگره رفیق "سیریل ماتاملا رامافوسا" صادر شده، بیانیه‌ای صادر کردد. ما ۱۱۰ سالگی ا- ان-سی، که مسیر تحسین‌برانگیزی را طی کرده است، شادباش می‌گوییم. از نقطه‌نظر سازمانی، کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی با پیام‌های تجدید عهد ا- ان- سی آشنا است. یک دهه پیش در دسامبر ۲۰۱۲/۱۳۹۱، در خاتمه کنفرانس ملی منگوانگ ا- ان - سی گفته شده است: "بدین‌وسیله ما ده سال آینده را به‌عنوان دههٔ کادرسازی اعلام می‌کنیم و متعهد می‌شویم که یک برنامهٔ ده‌سالهٔ نوسازی سازمانی- تشکیلاتی را برای حفاظت از ارزش‌های اصلی کنگره ملی آفریقای جنوبی و ایجاد ظرفیت تحول‌آفرینی آن به‌عنوان مرکز راهبردی قدرت و موجد تغییرات اساسی باشد را اجرا کنیم. " یک دهه بعد، ا- ان- سی باید در مورد عدم موفقیتش در تحقق این بیانیه تأمل کند و اگر بخواهد جلوی افول چشمگیر حزب در سال‌های دهه گذشته را بگیرد، باید برای عمل به‌این تعهد خود تلاش بیشتری کند. آخرین نتایج انتخابات حکومت محلی ثابت می‌کند که کنگره ملی آفریقای جنوبی (اِ- اِن- سی) در میان حوزهٔ مرکزی رأی‌دهندگان طبقه کارگر از سطح اعتماد بالایی برخوردار نیست و بسیاری از آن‌ها سرخورده شده‌اند. هم‌اکنون توازن گستردهٔ نیروها در جامعه درواقع به نفع نیروی‌های ترکیبی از سرمایه انحصاری داخلی و بین‌المللی است. این دست‌بالا و برتری‌ای که سرمایه انحصاری از آن برخوردار شده است از طریق افزایش قدرت حزب‌های اپوزیسیون در چشم‌انداز سیاست‌های ملی نمایان می‌شود.

محبوبیت، حمایت مردمی عالی تاریخی ائتلاف به‌رهبری کنگره ملی آفریقای جنوبی به‌تدریج در میان درگیری‌های جناحی، فساد گسترده، پارتی‌بازی، رانت، و ضعف‌های جدی سازمانی و راهبردی رو به‌کاهش و درحال فرسایش است. این امر علاوه بر بی‌توجهی به راه‌حل‌های مترقی کنفرانس "ناسرک"، نه‌فقط برای دستاوردهای سه دهه اخیر انقلاب خطری جدی است، بلکه برای خود انقلاب ملی و دموکراتیک‌مان نیز تهدیدی به‌شمار می‌آید. این واقعیت همچنین جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک و سیاسی جنبش را در مرکز توجه قرار می‌دهد، زیرا نیاز به تحکیم پایه‌های ایدئولوژیکی و راهبردهای سیاسی در بین اعضا و رهبران آن بیش‌ازپیش اهمیت پیدا می‌کند. ما تأکید می‌کنیم که فعالیت‌های ایدئولوژیکی و سیاسی برای ارتقای سطح آگاهی طبقاتی باید انجام شود و انگیزه مبارزه سیاسی در اِ- اِن -سی تقویت گردد. تحکیم مبانی ایدئولوژیکی امری ضروری برای درک تئوری مبارزاتی انقلاب ملی و دموکراتیک است، که خود باید در مرکز آموزش‌های نظری و سیاسی باشد. هم‌زمان ما می‌خواهیم امیدوار باشیم که با پیام کنونی کمیته ملی ا- ان- سی تغییراتی در سیاست‌های حکومتی ایجاد شود.

ما همچنین نظر خود را در مورد "سیاست‌های بودجه‌ای متوسط" که در اکتبر/ مهر- آبان‌ماه سال گذشته در پارلمان مطرح شد، بیان کرده‌ایم. در این راستا، ما به‌این واقعیت اشاره کردیم که در این سیاست‌های بودجه‌ای تغییری آشکار در چارچوب سیاست‌های کلان اقتصادی مبتنی بر نسخه‌های نولیبرالی سرمایه‌داری به‌وجود نیامد. بنابراین، سیاست‌های بودجه‌ای متوسط موضع‌گیری‌ای محافظه‌کارانه دارند. این سیاست‌ها به برخی از اقدام‌های دوران رشد، اشتغال و توزیع مجدد (برنامه اقتصادی افریقای جنوبی در سال ۱۹۹۶/۱۳۷۵) که در رویارویی با رشد اقتصادی پایین، کسری بودجه و بدهی عمومی بزرگ دانسته شده بودند، بازمی‌گردد. دوباره، این موضوع تعهد دولت کنگره ملی آفریقای جنوبی به اجرای مرحله دوم رادیکال را زیر پرسش می‌برد. مطابق ارزیابی ما در شرایط بد اقتصادی حاکم و در بحبوحه نارضایتی فزاینده طبقه کارگر، دولت اِ-اِن-سی در برابر فشارهای سرمایهٔ انحصاری که به‌شدت برای دیکته کردن سیاست‌هایش به‌منظور تخریب بیشتر اقتصاد کشور در تلاش‌اند، آسیب‌پذیر شده است. کنگره ملی آفریقای جنوبی باید درک کند که به دگرگون کردن توسعه اجتماعی-اقتصادی ما از مسیر کنونی نیمه استعماری به تمرکز بر ایجاد دولتی رشدیافته نیاز فوری وجود دارد. این امر مستلزم توقف اجرای سیاست‌های نولیبرالی‌ای مانند خصوصی‌سازی، مشارکت همه‌جانبه و بدون نظارت بخش خصوصی، استفاده از مؤسسه‌های مالی و جز این‌هاست. اِ-اِن- سی باید با انتقاد از خود اذعان کند که چارچوب سیاست نولیبرالی‌ای که به‌وسیلهٔ برنامه رشد، اشتغال و توزیع مجدد ارائه می‌گردد، فقط به‌خاطر افزایش سودآوری سرمایه و هموار کردن مسیر سلطهٔ امپریالیسم است. این سمت‌گیری عمدتاً به نیروی کار یدی غیرماهر و ارزان‌قیمت و استخراج مواد معدنی وابسته است. این وضعیت نمی‌تواند ادامه پیدا کند، ما به همسویی سیاست‌های کلان اقتصادی-به‌ویژه سیاست‌های پولی- با سیاست‌های صنعتی‌سازی و دیگر هدف‌های اقتصادی نیاز داریم. ما به سمت‌گیری اقتصادی- اجتماعی‌ای نیاز داریم که بر ایجاد شغل، عدالت اجتماعی، و کاهش نابرابری‌ها تأکید کند. کنگره ملی آفریقای جنوبی و دولت آن باید نقش دولت در اقتصاد را بازتعریف کرده تعهدش مبنی به ایجاد بانکی دولتی، تثبیت و جهت‌دهی مجدد شرکت‌های دولتی و سازمان‌دهی مجدد شرکت‌های تحت مالکیت دولت و سازمان‌های توسعه مالی بر اساس هدف‌های سرمایه‌گذاری‌های برنامه‌ریزی‌شده باشد. ما در مقام کوساتو، متحدانی قابل‌اعتماد برای اِ-اِن-سی باقی می‌مانیم. ما آگاه هستیم که جنبش از سخت‌ترین دورهٔ تاریخی خود درحال گذر است و وظیفه فوری ما این است که از وحدت خود دفاع کرده و پایبندی‌اش به راهبرد سیاسی انقلاب ملی و دموکراتیک را تأمین کنیم. در سال پیش روی، ما از هیچ کوششی برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های اِ-اِن-سی درمورد تمرکز بر نقاط ضعف سازمانی‌شان دریغ نخواهیم کرد و درعین‌حال علیه برنامه دولت در معرفی مشارکت‌های دولتی-خصوصی، خصوصی‌سازی کامل و استفاده از برنامه "پرداخت از سوی کاربر" (مکانیسمی که برای دریافت خدمات برای عموم و زحمتکشان و فقرای حاشیه‌نشین، هزینه‌اش را بایستی پرداخت کنند) مبارزه خواهیم کرد. ما همچنان در زمینهٔ سیاست‌ها و قوانین مربوط به سمت‌گیری اجتماعی-اقتصادی در پارلمان، شورای ملی توسعه اقتصادی و کارگری و حتی در تعامل مستقیم با اداره‌ها و دیگر نهادهای دولتی پیگیر خواهیم بود. وظیفه‌های کلیدی در اوضاع کنونی دفاع و تحکیم وحدت کنگره ملی آفریقا و ائتلاف، به‌ویژه در استان‌ها، و حصول اطمینان از تبدیل اولویت‌های کلیدی ملی شناخته شده به برنامهٔ عملی دولت است. در ادامه، کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی امیدوار است که اِ-اِن-سی در جهت رفع ویرانی‌های اجتماعی-اقتصادی ناشی از تأثیر همه‌گیری جهانی کووید-۱۹ بر اقتصاد آفریقای جنوبی، به‌ویژه از دست دادن گسترده مشاغل که از ابتدای سال ۲۰۲۰/ ۱۳۹۹ رخ داده است، عمل کند. ما خوشحالیم که اِ-اِن-سی موضع‌گیری‌های مترقی ضد امپریالیستی‌اش را حفظ کرده است و امیدواریم که این امر در همبستگی جهانی این حزب و سیاست خارجی مستقل دولت ما بازتاب پیدا کند.

سیزو پاملا، سخنگوی ملی "کوساتو" ، سایت کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی، ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۰

28 February 2022

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
004930
23629727

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
آدرس پستی:
B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و «ای-میل»
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمهٔ کارگری نامهٔ مردم - شمارهٔ ۵۶
Nameh Mardom –Workers Supplement No.56